

## ٤١ - عدل و انصاف

و نیز از حضرت بهاء الله است **قوله تعالى** : كونوا مظاهر العدل و الانصاف بين السموات و الارضين

**و قوله الرفع** : آسمان سیاست به نیر این کلمه مبارکه که از مشرق اراده اشراق نموده منیر و روشن است  
 ینبغی لكل أمر ان یزن نفسه فی كل یوم بمیزان القسط و العدل ثم یحکم بین الناس و یأمرهم بما یمهدیهم الی  
 صراط الحکمة و العقل .

**و قوله الاعلی** : احبّ الاشیاء عندی الانصاف لا ترغب عنه ان تكن الیّ راغباً و لا تغفل منه لتكون لی امیناً و انت  
 توفّق بذلك ان تشاهد الاشیاء بعینک لا بعین العباد و تعرفها بمعرفتک لا بمعرفة احدٍ فی البلاد فکّر فی ذلك  
 کیف ینبغی ان یكون ذلك من عطیّتی علیک فاجعله امام عینیک .

**و قوله جلّ و عزّ** : یا ابن الانسان لو تكون ناظراً الی الفضل ضع ما ینفعک و خذ ما ینتفع به العباد و ان تكن  
 ناظراً الی العدل اختر لدونک ما تختاره لنفسک .

**و در لوح بشارات است . قوله الاعزّ الامنع** : یا حزب الله مرّبی عالم عدل است چه که دارای دو رکن است  
 مجازات و مکافات و این دو رکن دو چشمه اند از برای حیات اهل عالم .

**و قوله العدل** : للعدل جندٌ و هی مجازاتُ الاعمالِ و مكافأتُها بهما ارتفع خبأ النظم فی العالم و اخذ کلّ طاغٍ  
 زمام نفسه من خشية الجزاء .

**و در لوح عدل است قوله عزّ بیانه** : زینوا یا قوم هیاکلکم برداءِ العدل و انه یوافق کلّ النفوس لو انتم من  
 العارفين و كذلك الادب و الانصاف و امرنا بهما فی اکثر اللوح لتکونن من العالمین . قل یا قوم زینوا هیاکلکم  
 بطراز العدل ثم احکموا بما حکم به الله فی اللوح و لا تكوننّ من المتجاوزین .

**و در سورة الملوك خطاب به عبدالعزيز سلطان عثمانی قوله الاعلی :** ایاک یا ایها الملک لا تجمّع فی حولک من هؤلاء الوكلاء الذین لا یتبعون الا هواهم و نبذوا اماناتهم وراء ظهورهم و كانوا على خيانة مبین فاحسن على العباد كما احسن الله لك و تدع الناس و امورهم بين يدي هؤلاء اتق الله و كن من المتقين فاجتمع من الوكلاء الذین تجد منهم روائح الايمان و العدل ... ایاک ان لا تدع زمام الملک عن کفک و لا تطمئن بهم و لا تكن من الغافلين . ان الذین تجد قلوبهم الى غيرک فاحترز عنهم و لا تأمنهم على امرک و امور المسلمین و لا تجعل الذئب راعی اغنام الله و لا تدع محبته تحت ایدی المبغضین ... انک لو تجرى أنهار العدل بين رعيتک لينصرک الله بجنود الغیب و الشهادة ... فاعمل بين خدامک بالعدل ثم أنفق عليهم على قدر ما يحتاجون به لاعلی قدر الذی یکنزونه و يجعلونه زينة لانفسهم و بیوتهم و یصرفونه فی امور الّتی لن يحتاجوا بها و یكونن من المسرفین فاعدل بینهم على الخط الاستواء بحيث لن يحتاج بعضهم و لن یکنز بعضهم و ان هذا لعدل مبین و لا تجعل الاعزة تحت ایدی الاذلة و لا تسلط الادنی على الاعلی ... ایاک ان لا تعمّر هؤلاء الوكلاء و لا تحزب الرعیة اتق من ضجیح الفقراء و الابرار فی الأسحار .

**و قوله جل کبرياته :** ای علی بگو به احبای الهی که اول انسانیت انصاف است و جمیع امور منوط به آن ... قل ان أنصفوا یا اولی الالباب من لا انصاف له لا انسانیة له .

**و در لوح خطاب به شیخ نجفی اصفهانی است قوله الاعلی :** عدل و انصاف دو حارس اند از برای حفظ عباد و از این دو کلمات محکمه مبارکه که علت صلاح عالم و حفظ امم است ظاهر گردد .

**و قوله الاکرم :** هیچ نوری بنور عدل معادله نمی نماید آن است سبب نظم راحت امم .

**و در لوح کلمات فردوس قوله الابلغ الاعظم :** کلمة الله در ورق ششم از فردوس اعلی سراج عباد داد است او را به بادهای مخالف ظلم و اعتساف خاموش منمائید .

**و قوله الاعز الاعلی :** لعمر الله عدل جندی است قوی او است در مقام اول و رتبه اولی فاتح افئدة و قلوب و او است مبین اسرار وجود و دارای رتبه محبت وجود .

**و قوله الحق:** ای ظالمان ارض از ظلم دست خود را کوتاه نمائید که قسم یاد نموده‌ام از ظلم احدی نگذرم .  
و این عهدهی است که در لوح محفوظ محتوم داشتم و به خاتم عزّ مختوم .

**و از حضرت عبدالجبار در رساله مدنیّه است قوله الجلیل:** ثانی صفت کمالیّه عدل و حقانیت است و آن عدم التفات و التزام منافع ذاتیه و فوائد شخصیّه خود و بدون ملاحظه و مراعات جهتی از جهات بین خلق اجراء احکام حق نمودن و نفس خود را چون افراد بندگان غنی مطلق شمردن و جز امتیاز معنوی در امری از امور تفرّد از جمهور نجستن و خیر عموم را خیر خویشتن دانستن خلاصه هیئت جمعیت را به منزله شخص واحد پنداشتن و نفس خود را عضوی از اعضای این هیئت مجتمعه انگاشتن و الم و تأثر هر جزئی سبب الم کل اجزاء هیئت بالبداهه یتقن نمودن است . . . در عالم وجود سطوت قاهره جنود عدل را قوای اعظم عالم مقابلی نکند و بنیان مرصوص حصون حصینه مقاومت ننماید چه که فتوحات این سیف قاطع را کلّ برایا طوعاً و رضاء " مغلوب گردند و ویرانه‌های عالم از هجوم این جنود به اعلی درجه معموریت و آبادی سرافراز شود دو آیت اعظم است که بر افسر هر جهانبانی سایه افکند بمثابه نیر اعظم انوار ساطعه حکومتش بکمال سهولت در ارکان عالم نفوذ کند رایت اولیه عقل و رایت ثانیه عدل این دو قوه عظیم را جبال آهنین مقاومت نتواند و سدّ سکندری را متانت نماند .

**در مفاوضات است قوله العزیز:** اگر شخصی به دیگر تعدی نماید متعدی علیه باید عفو نماید اما هیئت اجتماعیّه باید محافظه حقوق بشریه نماید . . . همچنانکه عفو از صفت رحمانیت است عدل نیز از صفت ربوبیت است خیمه وجود بر ستون عدل قائم نه عفو و بقای بشر بر عدل است نه عفو .